

دیدار مسیح علی نژاد و پمپئو و جدال آلترناتیوها

رضا مقدم - نهم فوریه ۲۰۱۹

رژیم اسلامی موضوعیت خود را در تمامی زمینه های حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دانشگاهی و علمی، زیست محیطی، هنری و ادبی ایران از دست داده است. با "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمام ماجرا" در خیزش دیماه ۹۶ محور سیاست ایران جدال آلترناتیوها برای جایگزینی با رژیم اسلامی است. دیدار مسیح علی نژاد با پمپئو که مباحث بسیاری را در موافقت و مخالفت برانگیخت نیز تماما در چارچوب جدال آلترناتیوها قابل بررسی است.

مسیح علی نژاد موقعیت خود در کمپین آزادیهای یواشکی و چهارشنبه های سفید علیه حجاب اجباری را پشتوانه یک آلترناتیو معین قرار داده است. وی در دیدار با پمپئو علیه جریانات سیاسی که آمریکا را به حمله نظامی به ایران تشویق می کنند، صحبت کرده است و گفته که ایرانیان نه جنگ می خواهند و نه جمهوری اسلامی. وی خواستار برداشته شدن تحریم هایی که زندگی مردم عادی را تحت تاثیر قرار داده و در عوض خواسته است صدا و سیما، سپاه پاسداران و شکنجه گران تحریم شوند.

در انقلاب ۹۱ که اکنون چهلین سال آنست، جناح مذهبی اپوزیسیون ثمره مبارزات کارگران، زنان و دانشجویان و نیروهای مترقی و سوسیالیست را مصادره کرد و سپس قدرتش را علیه همه آنها بکار گرفت؛ حجاب را اجباری کرد، جنبش کارگری و شوراهایش را سرکوب کرد، با انقلاب فرهنگی دانشگاهها را به خون کشید و تمام احزاب سوسیالیست و مترقی را سرکوب و فعالین آنرا دستگیر، شکنجه و اعدام کرد.

تا قبل از دیماه ۹۶ اعتراضات کارگران، معلمان، بازنشستگان و دانشجویان و زنان در عین اهداف مستقل خود بعضا در خدمت جناحهای مختلف رژیم اسلامی قرار می گرفت. اما اکنون و با درسهای گرانبها و خونبار انقلاب ۹۱ جنبشهای مختلف اجتماعی باید بکوشند تا ثمره مبارزاتشان در خدمت تقویت آلترناتیوهایی قرار گیرد که همراستا با تحقق منافعشان است. اکنون باید برای بسیاری روشن شده باشد که استراتژی لیبرالی و سکولاریستی علیه اسلام و حجاب اجباری حزب کمونیسم کارگری به چه آلترناتیوهای دست راستی خدمت می کند. اکنون باید برای بسیاری روشن شده باشد که محدود کردن خواست جنبش زنان به مخالفت با حجاب اجباری می تواند ثمره اعتراضات زنان را در خدمت کدام آلترناتیوهای دست راستی و لیبرالی قرار دهد. فراخوان به تظاهرات در مقابل وزارت کار در روز زن با خواستهای عمومی زنان و خواستهای زنان کارگر و همچنین بیانیه بیش از صد نفر از مدافعان حقوق زنان در داخل کشور در دفاع از "نان کار آزادی" اقدامی برای مقابله با تصاحب اعتراضات زنان در خدمت آلترناتیوهای دست راستی و لیبرالی بود.

طبقه کارگر ایران فاقد حق تشکل و اعتصاب است، با حق دستمزدهای پنج برابر زیر خط فقر زندگی می کند، میلیونها کودکش بجای داشتن یک زندگی شاد و بدون دغدغه و درس خواندن، بکار گماشته شده اند و مورد انواع سو استفاده ها قرار میگیرند. جنبش مستقل کارگری ایران با اتکا به تجربه خونبار خود از انقلاب ۹۱ که ثمره اعتصاب عمومی در خدمت سرکوب خودش قرار گرفت اکنون اعتراضاتش را زیر شعار عمومی "نان کار آزادی" بیان می کند تا در عین مبارزه برای خواست معین خود ثمره مبارزاتش در خدمت آلترناتیوی باشد در راستای تحقق نظامی که مطالبات بنیادینش را متحقق می کند. فراگیر شدن سریع شعار "نان کار آزادی" با پسوندی متعدد در جنبش زنان، جنبش دانشجویی، مبارزات معلمان، بازنشستگان و فعالین محیط زیست ریشه در تجربه شکست انقلاب ۹۱ دارد.

اکنون که دوره جدال آلترناتیوها برای جایگزینی با رژیم اسلامی است طبعاً همه آنها در تلاشند تا متحدین بین المللی خود را که با نظام مورد نظرشان همراستاست، نیز به خدمت بگیرند. جنبش مستقل کارگری ایران تا آنجا که به مبارزه برای مطالبات عمومی بر می گردد تا حدی می تواند متکی به حمایت جنبش کارگری در کشورهای دیگر باشد اما طبعاً برای اهدافش نمی تواند به خانم مرکل و یا دیگر سران کشورهای سرمایه داری متوسل شود. هیچ نیروی سوسیالیستی انتظار ندارد که مقامات اروپایی و آمریکایی مدافع اهداف عمومی جنبش مستقل کارگری علیه خصوصی سازیها، اداره شورایی جامعه و یک حکومت کارگری در ایران باشند تا برای کمک به دیدارشان بروند و یا برایشان نامه بنویسند. توسل به خانم مرکل از مینا احدی و حزیش بر می آید که طبعاً با اهداف حزبشان خوانایی دارد. جنبش مستقل کارگری ایران در مبارزه با سولیداریتی سنتر (مرکز همبستگی آمریکایی) از نزدیک به دو دهه پیش علیه هر نوع راه حل آمریکایی برای آینده ایران ایستاد و آنرا ادامه خواهد داد.

زنده باد جنبش نان کار آزادی